

بررسی مهمترین شیوه‌های تبیین بیداد و داد در دیوان پروین اعتصامی

نگین خان محمدی اطاقسرا، عبدالله حسن زاده میرعلی*

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

سال هفدهم، شماره پنجم، مرداد ۱۴۰۳، شماره پی در پی ۹۹، صص ۲۴۱-۲۴۰

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2024.17.7435>

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: بیداد و داد، همواره در تاریخ، همراه یکدیگر بوده‌اند و نه تنها در متن زندگانی بشر، بلکه در آثار ادبی و هنری نیز با هم و در برابر هم انعکاس یافته‌اند. نه تنها ادبیات حماسی، اساطیری، اندرزی، اخلاقی و پایداری، سرشار از روایت‌های بیداد و داد است، بلکه ادب تغزلی و عاشقانه فارسی نیز خالی از این نوع مضامین نیست و تنها شخص بیدادگر است که چهره می‌گرداند و مبتذل به معشوق بی‌عنایت و بی‌مدارا می‌شود. پروین اعتصامی از شاعران متقدم دوران معاصر است که در مفصل گذار از عصر مشروطه به عصر جدید تاریخ ایران می‌زیست. او تغییرات سریع ایران و کاستی‌ها و نابه‌سامانی‌های جامعه ایرانی را که برخی مختص عصر او و برخی دیگر کاستی‌های کهن و مشترک در طول اعصار و ملازم زیست بشری بودند، دید و در شعر خویش انعکاس داد. او برای انعکاس دادن بیمه و امیدها و بیداد و داد در شعر خویش، شیوه‌هایی را برگزید که در ادب فارسی پیشینه‌ای دیرینه داشتند، اما پروین با چیره‌دستی همراه با سادگی و صمیمیت، باری دیگر کارایی این شگردهای کهن را اثبات کرد. صراحت در انتقاد و ابهام در انتساب، تمثیل، مناظره، تلمیح، جان‌بخشی و دوگانه‌سازی از زمره این شگردها هستند. پروین همچنین لطافتی را با شیوه بیان خویش همراه ساخت که مختص اوست و نتیجه روح زنانه وی است. در این پژوهش به بررسی شیوه‌های تبیین بیداد و داد و ترسیم چهره بیدادگران و دادگران در شعر پروین اعتصامی پرداخته می‌شود.

روش تحقیق: پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای است. اساس پژوهش بر دیوان پروین اعتصامی با مقدمه ملک‌الشعرا بهار است و برای گزینش نمونه‌ها و شواهد، همه دیوان بررسی شده‌است.

یافته‌ها: پروین به خلاف نظر برخی منتقدان، شاعری منتقد است اگرچه نمیتوان او را شاعری انقلابی به شمار آورد. او در انتقادهای خویش، به موضوع بیداد و داد، بسیار می‌پردازد. مهمترین شگرد او در تبیین دوگانه بیداد و داد، صراحت در انتقاد و ابهام در انتساب است. شگردهای دیگری که او برای تبیین بیداد و داد به کار می‌گیرد، برای حفظ چتر ابهام بر سر شعر اوست. او برای تأمین و تضمین این ابهام، از مناظره و تمثیل بهره‌آفر می‌برد و مناظره و تمثیل در شعر او هنگامی که یک سویش غیرانسان باشد، لاجرم به تشخیص می‌انجامد. همچنین پروین در راستای تأمین ابهام در انتساب، از تلمیح بهره می‌برد و انتقادهای صریح خویش را به شخصیت‌های تاریخی منسوب می‌دارد و برای برجسته شدن بیداد و داد، دست به دوگانه‌پردازی وسیع می‌زند.

نتیجه: شعر پروین اعتصامی، آمیزه‌ای از اخلاق و عاطفه و تصویرپردازی‌هایی است که با استادی تمام در عین دنیال‌روی شیوه شاعری پیشینان، محصول شعری امروزی و در خور احوال امروزیان را پدید آورده‌است. او با تکیه بر تمثیل و مناظره و با گزینش قالب قطعه به عنوان مهمترین قالب شعری خویش، به انعکاس حال و روز مردمان ایرانی در یکی از خطرناک‌ترین مقاطع تاریخ ایران پرداخته‌است. پروین اعتصامی به اقتضای زن بودن و به پیروی از پوشیده‌گویی سنت‌شده در شعر کلاسیک فارسی، در بسیاری از مناظرات، سخنان را در لفافه بیان میکند. همچنین بیداد و داد در شعر او لزوماً انسانی نیست و می‌تواند کیهانی باشد.

تاریخ دریافت: ۱۷ مهر ۱۴۰۲

تاریخ داوری: ۲۰ آبان ۱۴۰۲

تاریخ اصلاح: ۰۵ آذر ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۸ دی ۱۴۰۲

کلمات کلیدی:

پروین اعتصامی، شیوه بیان، بیداد، داد، تمثیل، مناظره.

* نویسنده مسئول:

✉ hasanzadeh@semnan.ac.ir

☎ ۳۱۸۹۳۱۵۳ (۲۳ ۹۸+)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Examining the most important methods of explaining oppression and justice in Parvin Etesami's court

N. Khan Mohammadi Ataghsara, A. Hassanzadeh Mirali*

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, University of Semnan, Semnan, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 09 October 2023
 Reviewed: 11 November 2023
 Revised: 26 November 2023
 Accepted: 08 January 2024

KEYWORDS

Parvin Etesami, expression,
 oppression, justice, allegory,
 debate.

*Corresponding Author

✉ hasanzadeh@semnan.ac.ir

☎ (+98 23) 21893153

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: oppression and justice have always been together in history and have been reflected not only in the context of human life, but also in literary and artistic works. Not only the epic, mythological, admonitional, moral and sustainable literature is full of stories of oppression and justice, but Persian lyrical and romantic literature is also not devoid of these themes and it is only the oppressor who turns his face and turns into an indifferent and intolerant lover. Parvin Etesami is one of the leading poets of the contemporary era, who is in the transition from the constitutional era to the new era of Iranian history. He saw the rapid changes in Iran and the shortcomings and imperfections of the Iranian society, some of which were specific to his era, while others were ancient and common throughout the ages and inherent in human life, and he reflected them in his poetry. In order to reflect insurances and hopes, oppression and justice in his poetry, he chose methods that had a long history in Persian literature, but Parvin proved once again the effectiveness of these ancient methods with mastery combined with simplicity and sincerity. Clarity in criticism and ambiguity in attribution, allegory, debate, allusion, revitalization and dualization are among these methods. Parveen also added a tenderness to her expression that is unique to her and is the result of her feminine spirit. In this research, the ways of explaining oppression and justice and drawing the faces of the oppressors and the righteous in the poetry of Parvin Etesami are discussed.

METHODOLOGY: The current research is descriptive and analytical and based on library studies. The basis of the research is Parvin Etesami's Diwan with an introduction by Malek Al-Shaarai Bahar, and to select examples and evidence, all the Diwans have been examined.

FINDINGS: Contrary to the opinion of some critics, Parvin is a critical poet, although he cannot be considered a revolutionary poet. In his criticisms, he deals a lot with the subject of oppression and justice. His most important technique in explaining the duality of oppression and justice is frankness in criticism and ambiguity in attribution. Other methods he uses to explain injustice and justice are to keep the umbrella of ambiguity over his poetry. To provide and guarantee this ambiguity, he makes ample use of debate and allegory, and debate and allegory in his poetry, when one side is inhuman, inevitably leads to recognition. Also, in order to provide ambiguity in attribution, Parvin uses allusions and attributes his frank criticisms to historical figures. Sharp dichotomy is a lot to highlight the duality of injustice and justice in his poetry.

CONCLUSION: Parvin Etesami's poetry is a mixture of morals, emotions and imagery, which he created with mastery while following the poetic style of the ancients, creating a modern poetic product suitable for today's conditions. Relying on allegory and debate and choosing the format of the poem as the most important form of his poetry, he has reflected on the present and the day of the Iranian people in one of the most dangerous periods in the history of Iran. Parveen Etesami, as a woman and following the tradition of veiling in classical Persian poetry, speaks in a veil in many debates. Also, in his view, oppression is not necessarily human and may be cosmic.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2024.17.7435>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 34	 0	 0

مقدمه

داد، اسمی است فارسی در معنای عدل، مَعْدَلَت، بذل، قسط و انصاف و متضاد آن ستم، ظلم و بیداد است (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «داد»). ریشه این واژه، «داتا» در فارسی باستان به معنی قانون است (برهان قاطع: ذیل «داد»). داد را نهادن شیء در جای خویش دانسته‌اند و با این قیاس، بیداد، نهادن شیء در غیر جای خویش است: عدل وضع نعمتی در موضعی نه به هر بیخی که باشد آبکش ظلم چه بود وضع در ناموضعی که نباشد جز بلا را منبعی (مثنوی معنوی، دفتر پنجم، ابیات ۱۰۸۹-۱۰۹۱)

دادخواهی، اراده رسیدن به داد و رفع بیداد است (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «دادخواهی») و با هم زیستن و بهتر زیستن در صلح و آرامش، بدون عدالت و دادگری، امکان ندارد. کزازی بر آن است که کاربرد داد، بسیار گسترده‌تر از آن است که ما آن را تا مرز ویژگی و رفتاری فردی فرو بکاهیم. داد و دادخواهی، نمونه و بازتابی از داد (قانون) هستی‌شناختی و کیهانی است که مبتنی بر راستی (آشه) است و جهان بر آن، بنیاد گرفته‌است و این سامان سترگ که ما در جهان میبینیم، برآمده از داد است. اگر داد نمی‌بود، دانشهای گوناگون پدید نمی‌آمد و جهان، سامان نمییافت و به آرامش نمی‌رسید. پس هیچ بیدادگری نمیتواند در آرامش و بهروزی زندگی کند، چون با قانون جهان هماهنگ نیست (کزازی، ۱۳۸۷: ۱۶). صلح و آرامش در هر جامعه، مرهون حکام دادگر است و هرج‌ومرج و بیعدالتی، پیامد حضور بیدادگران در رأس امور جامعه است، زیرا داد، همان قانون است و بیداد، ناهماهنگی با قانون بشر و برتر از آن، قانون کیهان است و این موجب بینظمی، پریشانی و اصطکاک و نبرد میشود. همواره هستند کسانی که در برابر بیداد، بر پا میخیزند و قیام میکنند تا داد را بازگردانند و اگر توفیق نیابند، این کار را به خداوند که ضامن داد کیهانی است، بازمیگذارند:

ستاننده داد آن کس خداست که نتواند از پادشه دادخواست
(بوستان، باب اول)

مضمون بیداد و داد و تقابل بیدادگران و دادگران، همواره در شعر و نثر فارسی، حضور پررنگ داشته و بیشتر شاعران و نویسندگان از آن سخن رانده‌اند. شاید هیچ شاعری در تاریخ ادب فارسی به اندازه حکیم فردوسی به موضوع بیداد و داد نپرداخته باشد. شاهنامه او که در حقیقت، خردنامه است، همه زوایای هستی و گوشه‌های حیات بشری را با سنجه‌های خرد مینگرد و خرد و داد را از یک سو و بیخردی و بیداد را از سوی دیگر، یکی میداند. به نظر حکیم فردوسی، آنچه پایه و مایه شاهان را میفزاید، داد و دادگری است:

اگر داد دادن بود کار تو بیفزاید ای شاه مقدار تو
(شاهنامه، ج ۱، ص ۱۹)

و بیدادگران سرانجام در چاه بیدادگری خویش فرو می‌افتند و در جهان به بدنامی شهره میشوند و به سزای بیدادگری میرسند:

به تخت مهبی بر هر آنکس که داد کند در دل او باشد از داد شاد
هر آنکس که اندیشه بد کند به فرجام بد با تن خود کند
(شاهنامه، ج ۴، ص ۲۳)

ناصر خسرو، در یکی از سروده‌هایش بدین موضوع اشاره دارد که پیشرفتهای بشر و توسعه ابزارهایی که میسازد، برای افزایش بیداد و ستم نیست و خداوند این زشتکاری را فراموش نمیکند:

چون تیغ به دست داری مردم نتوان کشت نزدیک خداوند، بدی نیست فرامشت
این تیغ نه از بهر ستمگران کردند انگور نه از بهر نبیذ است به چرخشت
(ناصر خسرو، قصیده ۴۸)

سعدی شیرازی نیز معتقد است که امیران و شاهانی که بر مردم ستم روا می‌دارند، ریشه پادشاهی خویش را برمیکنند:

نکند جور پیشه سلطانی که نیاید ز گرگ چوپانی
پادشاهی که طرح ظلم افکند پای دیوار ملک خویش بکند
(گلستان، باب اول)

از دید مولانا هر آنچه در جای نامناسب خویش قرار گیرد و یا به بیان دیگر هر ناشایستی که جای شایستگی را گیرد، بیداد است و بی‌عدالتی:

عدل چه بود آب ده اشجار را ظلم چه بود آب دادن خار را
عدل وضع نعمتی در موضعش نه به هر بیخی که باشد آبکش
ظلم چه بود وضع در ناموضعی که نباشد جز بلا را منبعی
(مثنوی معنوی، دفتر پنجم، ابیات ۱۰۸۹-۱۰۹۱)

دیگر بزرگان شعر فارسی نیز هر یک به بیان خویش و مطابق اندیشه خویش، درباره بیداد و داد سخن رانده‌اند، اما سخن از این مقوله در شعر مشروطه، آب و رنگی تازه مییابد و بیش از آنکه از سنخ حکمت‌گویی و از زاویه دید حکیمانه باشد، ریشه در مبارزات سیاسی و اجتماعی دارد و با نگاه به زندگی عملی و ملموس مردمان است.

بیان مسئله

مشروطه ایران، نام جنبشی فکری و اجتماعی و سپس انقلابی سیاسی و نظامی است که در نیمه دوم فرمانروایی دودمان قاجار رخ داد. مشروطه از بُعد اجتماعی، موجب شکل‌گیری بسیاری از نهادهای نوین در ایران شد و از بُعد سیاسی، نظام حکومتی ایران را از سلطنت مطلقه به سلطنت مشروطه تغییر داد. مشروطه در پیکره تغییر فکری و جنبش اجتماعی، از عصر ناصرالدین شاه و حتی ریشه‌های آن، پیشتر و در عصر اصلاحات عباس‌میرزایی و قائم‌مقامی آغاز شد؛ سپس در پیکره انقلابی فرهنگی-سیاسی در عصر مظفرالدین شاه و به سال ۱۲۸۵ هجری شمسی به ثمر نشست (یزدانی، ۱۳۸۸: ۵۴) و در نهایت در پیکره انقلاب سیاسی-نظامی در روزگار محمدعلیشاه قاجار و به سال ۱۲۸۸ هجری شمسی تجدید شد (پزشکزاد، ۱۳۸۵: ۱۵۴). جنبش مشروطه با پدید آوردن نهادهای نوین بشمار در جامعه ایرانی و تحولات وسیع و عمیق فرهنگی و تغییرات گسترده تمدنی و پیشرفتهای سریع صنعتی، ایران و ایرانی را در زمانی اندک در مقیاسی عظیم، متحول کرد و تاریخ ایران را به دو دوره پیش از مشروطه و پس از مشروطه تقسیم نمود. ماهیت انتقادی و مبارزاتی مشروطه و طرح مفاهیمی چون برابری، دادخواهی، ستم‌ستیزی، حمایت از مظلومان و ستیز با ستمگران، دوگانه مضمونی بیداد و داد را باری دیگر و با شدتی بیشتر در شعر فارسی مطرح ساخت و این بار افزون بر زوایه دید حکیمانه، آب و رنگ مبارزاتی و برگرفته از موقعیتهای واقعی زندگانی ایرانیان نیز به مضامین بیداد و داد افزوده شد.

پروین اعتصامی، از سخنسرایان بزرگ معاصر بود که در عصر مشروطه زاده شد و در حال و هوای آن روزگار پرورش یافت. او اگرچه به لحاظ صورت شعر، شاعری سنتگرا و متابع شیوه شاعران بزرگ گذشته بود، اما در ساحت

درون‌مایه از روزگار خویش و روحیه انتقادی زمانه‌اش تأثیر پذیرفته بود. او علاوه بر دید کل‌گرا و حکیمانه به مسئله بیداد و داد که در امتداد دیدگاه شاعران کلاسیک فارسی است، تجربه‌های زنده خود را از جامعه در حال تغییر ایران در شعرش بازتابانده است. از شگردهای ارائه محتوا در شعر او، ابهام، مناظره، تمثیل، تلمیح، تشخیص و دوگانه‌پردازی در شعر او حضور فراوان دارد. در این مقاله با تمرکز بر مضمون بیداد و داد، شیوه‌های بیان این مضمون در شعر پروین اعتصامی بررسی میشود.

پیشینه تحقیق

درباره پروین اعتصامی به طور کلی و شیوه سخنوری او به طور خاص، آثار پژوهشی چشمگیری صورت گرفته است و هر یک از زاویه‌ای به آثار این سخنسرای نامی معاصر پرداخته‌اند. در ادامه به برخی از این آثار پرداخته می‌شود: - مدیرشانه‌چی، محسن. (۱۳۸۶). «سیری در اندیشه سیاسی و اجتماعی پروین اعتصامی». *مجله پژوهش حقوق عمومی*. شماره ۲۳. ۲۰۱-۲۲۸. در این مقاله با تقسیم شاعران به سه نسل کلی سیاست‌پردازان، سیاست‌گريزان و شاعران متعهد از منظر نسبت شعر و اندیشه سیاسی آنان، به جست‌وجوی اندیشه‌ها و رویکردهای سیاسی و اجتماعی پروین اعتصامی از خلال اشعار او پرداخته شده و نمونه‌هایی از شعر سیاسی و اجتماعی او در این عرصه‌ها تقسیم‌بندی و ارائه شده است.

- صمصامی، سمیرا؛ میرصادقی، سیدرضی. (۱۳۹۵). «بررسی جایگاه و انواع تشبیه از لحاظ ساختار و شکل و مضمون و محتوا در دیوان پروین اعتصامی». *مجله پژوهش‌های ادبی و بلاغی*. شماره ۱۶. صص ۷۳ - ۹۰. در این مقاله یکی از مهمترین شگردهای بیان در شعر پروین اعتصامی یعنی تشبیه، بررسی و شیوه‌های فرعی و صورت‌های گوناگونش در شعر وی نمونه‌یابی میشود.

- گرجیان، بهمن؛ عباس‌زاده، فرنگیس. (۱۳۹۹). «ساختار شکنی و هنجارگریزی تطبیقی نحوی، واژگانی و زمانی در شعر پروین اعتصامی». *مجله مطالعات ادبیات تطبیقی*. شماره ۵۵. صص ۳۷-۵۳. این مقاله به بررسی گونه‌های ساختار شکنی و هنجارگریزی در شعر پروین اعتصامی اختصاص دارد.

- غنی‌پور ملک‌شاه، احمد. (۱۳۹۰). «ادبیات معاصر / تشخیص در شعر پروین اعتصامی». *مجله رشد آموزش زبان و ادب فارسی*. شماره ۱۰۰. صص ۴۶-۴۹. نگارنده در این مقاله با نگاهی به مسئله تشخیص در سروده‌های شاعر نامی معاصر پروین اعتصامی به بررسی این آرایه ادبی در دیوان ایشان پرداخته، زوایای این شگرد ادبی را کاویده و آن را به انواعی تقسیم کرده است.

- واثق عباسی، عبدالله؛ اتحادی، حسین. (۱۴۰۰). «استفهام بلاغی در شعر پروین اعتصامی». *مجله تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)*. شماره ۴۸. صص ۱۷۳-۲۰۱. در این پژوهش مفاهیم ثانویه جملات پرسشی در دیوان پروین اعتصامی بر اساس روش توصیفی - تحلیلی بررسی شده است.

- حاجی رجبی، نفیسه؛ عرب، عباس. (۱۳۹۸). «تمثیل با رویکرد فابل در اشعار پروین اعتصامی و ایلیا ابوماضی». *مجله تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی*. شماره ۴۲. صص ۹۳-۱۱۲. در این مقاله توصیفی - تطبیقی یکی از صورت‌های تمثیل به نام فابل در اشعار دو شاعر معاصر فارسی و عربی و مضامین مشترکی که این دو شاعر بدان پرداخته‌اند، مورد بررسی قرار گرفته است.

با توجه به پژوهشهایی که درباره پروین اعتصامی و شعر او، نمونه آورده‌شد، میتوان نتیجه گرفت که تاکنون پژوهشی با موضوع شیوه‌های ترسیم و تبیین بیداد و داد در شعر این شاعر انجام نگرفته است و پژوهش حاضر از

این جهت، دارای تازگی است.

اهمیت و ضرورت تحقیق

شعر پروین اعتصامی، از میراث‌های مهم شعر معاصر فارسی است و از جهت‌های گوناگون دارای اهمیت است. پروین در میان بانوان شعر فارسی، مقامی برتر و والاتر را به خویش اختصاص داده‌است و او را صرف‌نظر از جنسیتش باید از مهمترین سخنسرایان تاریخ ادب فارسی به شمار آورد. همچنین شعر پروین، آینه‌ای شفاف از اوضاع و احوال جامعه‌ای است که در آن زیست می‌کند. هرچند که برخی از مضامین بیان‌شده در شعر او، تکرار و تداوم مضامین سنن‌شده شعر کلاسیک فارسی است، اما برخی دیگر از این مضامین، زاده تجربه‌های زنده و بیواسطه او از اوضاع جامعه‌اش هستند و پروین با دید زنانه خویش با تأمل در جامعه به کشف این مضامین پرداخته‌است. همچنین تک‌تک شگردهای به کار رفته در شعر پروین هرچند که در شعر فارسی، دارای سابقه هستند، اما تلفیق و هیأت مجموعی آنها بعلاوه روح و روحیه زنانه‌ای که به آنها افزوده شده، خاص پروین است. بنا به آنچه گفته‌شد، بررسی شیوه بیان در شعر پروین اعتصامی به‌ویژه در حوزه مضمون مهمی چون بیداد و داد، دارای اهمیت و ضرورت است.

بحث

مروری بر احوال و آثار پروین اعتصامی

رخشنده اعتصامی، متخلص به پروین، فرزند یوسف اعتصام‌الملک آشتیانی در اسفندماه ۱۲۸۵ خورشیدی در شهر تبریز چشم به جهان گشود و بدین سان، پروین و انقلاب مشروطه، همزادند (حدادی، ۱۳۹۳: ۱۹). او ادبیات فارسی و عربی را نزد پدر آموخت و از همان کودکی به شعر و ادب علاقه داشت. نخستین اشعارش را در هشت سالگی سرود و قطعاتی را که پدر از کتب خارجی به فارسی ترجمه می‌کرد، به نظم در می‌آورد. پدرش شعرهایش را در مجله بهار به چاپ رسانید و ارتباط او را با محافل ادبی پایه‌گذاری کرد. در همین محافل بود که مورد تشویق ملک‌الشعرای بهار قرار گرفت (حاکمی، ۱۳۷۶، ج ۴: ۳۷). پروین پس از اتمام دوره مدرسه دختران آمریکایی، مدتی را در همان جا به تدریس پرداخت. او در سال ۱۳۱۳ با پسر عموی خود ازدواج کرد و پس از دو ماه و نیم کار به جدایی کشید. پس از آن، پدر پروین به چاپ دیوان او اقدام کرد. در سال ۱۳۱۵ از وزارت معارف، نشان درجه ۳ علمی برای پروین فرستاده شد، اما او با فروتنی و بیان اینکه شایسته‌تر از من بسیاریند، آن را بازپس فرستاد. پروین اعتصامی در سوم فروردین ۱۳۲۰ در بستر بیماری افتاد و شنبه شب ۱۶ فروردین همان سال چشم از جهان فرو بست (درودیان، ۱۳۸۶: ۹۳-۹۴).

زبان پروین به شاعرانی همچون منوچهری، ناصر خسرو، سعدی و انوری نزدیک است (حاکمی، ۱۳۷۶: ۳۸). او شاعری است با زبان ساده که از لحاظ فرم و محتوا، شعرهایش شبیه پیشینیان است. به جز چند شعر که شاید بتوان آنها را از نظر صورت، متأثر از قالبهای قدیم اروپایی و احتمالاً متأثر از ترجمه‌های پدرش انگاشت و برخی چهارپاره‌ها، نشان دیگری از قالب‌شکنی در شعر او نیست (همان: ۳۹). پروین چنان که از مرور اجمالی دیوانش برمی‌آید، به حسب قالب، شاعری است قطعه‌سرا و قصیده‌سرا که به برخی از دیگر قالبها مانند مثنوی نیز نیم‌نگاهی داشته‌است، اما هیچگاه شاعر تغزلگرا نشد و جز چند نمونه، تجربه‌ای در حوزه غزل نکرد (موید، ۱۳۶۷: ۲۱۵).

زبان پروین، اغلب زبانی انتقادی است و میتوان شعر او را به لحاظ مضمون، شعر «سیاست و اخلاق» نامید (دباشی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۲۴۰)، اما نمی‌توان او را شاعر انقلابی از جنس میرزاده عشقی، فرخی، لاهوتی و دیگر شاعران آن عصر

دانست. شیوه بیان در شعر او بیشتر مبتنی است بر فن مناظره، تمثیل، تلمیح و استشهاد به حکایتهایی از شخصیت‌های تاریخی گذشته. همچنین جان‌بخشی در شعر او فراوان است و او درختان و گیاهان و جانوران و اشیا را برای بیان مافی‌الضمیر خود به نحوی گسترده به سخن درمی‌آورد.

سیاست در شعر پروین

چنانکه گفته شد، شعر پروین را شعر «سیاست و اخلاق» نامیده‌اند (دباشی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۲۴۰)، اما همگان در این موضوع، متفق نیستند و داوریه‌های متضادی درباره اندیشه‌های او شده‌است، این داوریه‌ها را در سه طیف گوناگون میتوان دسته‌بندی کرد.

در طیف نخست که پروین را شاعری یکسره منزوی و تسلیم دانسته‌اند، میتوان به فرشته داوران اشاره کرد: «بین شاعر زمان خود بودن و یا دختر مطیع و سربه‌راه اعتصام‌الملک، پروین دومی را برگزیده» (دهباشی، ۱۳۷۰: ۱۱۳). براهنی نیز درباره پروین می‌نویسد: «پروین، ناصر خسرو مؤنثی است بدون آن دینامیسم خرد برتر ناصر خسرو، دنبال عدالتی است در داخل سیستمی که تیشه بر ریشه عدالت می‌زند. زنی مطیع و فرمانبردار و عفیف و پاک و صمیمی است، ولی در عین حال سخت در بند دوگانگی خیر و شر، قوی و ضعیف غنی و فقیر و پادشاه و گداست. انقلابی نیست ... جهانش، حتی در تیرگی هم از پویایی برخوردار نیست. گفت‌وگو تدبیر اساسی اوست، تمثیل کار او، ولی هدف مضمون پندآمیز دست و پایش را سخت بسته است. هرگز به درهم‌ریختن یاد‌های مختلف حافظه و از میان برداشتن دیوارهای زمانی و مکانی یادها توجهی ندارد. شعرش هیجان‌انگیز، پرشور و حال، اعجاب‌انگیز و تکان‌دهنده نیست» (همان، ۱۳۷۰: ۷۶).

در برابر این گروه، برخی نیز با استناد به کلیت انتقادی اشعار پروین و چند شعر وی که انتقاداتی با لحن تند و صریح در خود دارد، او را شاعری انقلابی در ردیف دیگر شاعران انقلابی مشروطه‌خواه دانسته‌اند و برخی از وقایع زندگانی پروین از جمله پس فرستادن پروین، نشان درجه سء علمی را و اجابت نکردن دعوت حضور در دربار را دلایلی دیگر برای نظریه خوش مطرح می‌کنند (ذاکر حسین، ۱۳۷۷، ج ۲: ۷۲، ۷۳)، با این حال، ضمن آنکه پروین، شاعری منتقد است، اما بنا به استدلال‌های جلال متینی، آنچه برای اثبات انقلابی بودن پروین به آن استناد میشود، مخدوش است، از جمله اینکه تندترین شعر پروین یعنی «صاعقه ما ستم اغنیاست»، متعلق به پانزده‌سالگی پروین است و اساساً دخترکی در این سن و در جامعه قاجاریه نمیتوانسته انقلابی باشد. نیز نپذیرفتن دعوت حضور در دربار اگر به واقع رخ داده‌باشد که سند متقنی برای آن نیست، فرعی از روحیه کلی پروین بوده که بانویی خجالتی و گوشه‌گیر بوده و مطابق با انبوه شواهد، از حضور در جمع‌ها و مکالمه با افراد تا حد امکان خودداری می‌ورزیده و حتی سابقه اشتغال او نیز بیش از چند ماه نبوده‌است (دهباشی، ۱۳۷۰: ۳۶۰-۳۶۲).

در برابر این دو گروه، گروه سومی نیز هستند که پروین و شعر او را پارادوکسیکال و حاوی و حامل تناقضهایی می‌دانند که نتیجه زیست او در مفصل دو دوره کاملاً متمایز تاریخ ایران است. این عده، پروین را شاعری بیدار و متوجه به اوضاع جامعه و منتقد کاستیها و آرزومند داد و برابری و بیداری میدانند، اما او را فاقد بینش سیاسی خاص و پیرو مسلک و جریان و حزب سیاسی مشخص می‌انگارند و او را نه شاعری مبارز، بلکه خطیبی مصلح و منتقد قلمداد میکنند (آرین‌پور، ۱۳۷۶: ۵۴۳، ۵۴۴).

شیوه‌های بیان بیداد و داد

صراحت انتقاد و ابهام انتساب

یکی از جالب‌ترین شگردهای پروین اعتصامی برای بیان مضامین بیداد و داد و ترسیم چهره بیدادگران و دادگران، صراحت در انتقاد و ابهام در انتساب است، بدین معنی که او با صراحت و شدت تمام، انتقادهای خویش را مطرح میکند، اما در اینکه این انتقادها منسوب به کیست، انواع ترفندهای ابهام و پوشیده‌گویی را به کار میگیرد. در معروفترین شعری که از پروین به یاد هر شعر دوستی می‌آید، یعنی قطعه موسوم به «اشک یتیم»، چهره پادشاهی که هدف اصلی انتقاد است، پنهان است و ما او را با عنوان «پادشهی» و به شیوه تنکیر میاییم (اعتصامی، ۱۳۶۵: ۲۷). حتی زمان و مکان زندگانی این پادشاه نیز معلوم نیست تا به هویت او پی ببریم و به ذکر «روزی گذشت پادشهی از گذرگهی» (همان) بسنده میشود. منتقدان او نیز همه با چهره‌های مبهم ترسیم میشوند و به شیوه تنکیر از آنان یاد میشود. نخست، «کودکی» درباره گوهر تاج پادشاه می‌پرسد که تنها مشخصه وی، یتیم بودنش است و هیچ نشانه دیگری برای شناسایی او وجود ندارد:

پرسید زان میانه یکی کودکی یتیم
کاین تابناک چیست که بر تاج پادشاست
(همان)

و پاسخ او را «آن یک» میدهد که حتی آن قدر نمیدانیم که مرد است یا زن:

آن یک جواب داد چه دانیم ما که چیست
پیداست آن قدر که متاعی گرانبهاست
(همان)

و دیگر پاسخ او را «پیرزنی» میدهد که تنها نشانش، گوژپشت بودنش است که نشانه قابل اعتماد و دقیقی برای شناسایی او نیست:

نزدیک رفت پیرزنی گوژپشت و گفت
این اشک دیده من و خون دل شماست
(همان)

بدین ترتیب، پروین، انتقاد خویش را با تندترین لحن ممکن بیان میکند، اما هیچ صراحتی برای تشخیص اینکه پادشاه کیست و منتقدان پادشاه کیستند، به کار نمیبرد و سبب این ابهام‌گویی و عدم صراحت را نیز خوب باز میگوید: پروین به کجروان سخن از راستی چه سود
کو آنچنان کسی که نرنجد ز حرف راست
(همان: ۲۸)

در دیگر اشعار پروین نیز این گونه ابهام، شیوه اصلی است. بازیگران داستانهای انتقادی وی، اگر موجودات بیجان جان‌یافته مانند باد خزان و برگ (همان: ۴۳)، موی سیاه و موی سپید (همان: ۵۸)، تیر و کمان (همان: ۶۹-۷۲) و نومی و امید (همان: ۲۸) نباشند، انسانهایی هستند که با نام صنفی یا نوعی خویش یاد میشوند و اغلب هم یادکرد آنان به شیوه تنکیر است، مانند پادشهی:

گفت دیوار قصر پادشهی که بلندی مرا سزاوار است
(همان: ۵۳)

درویشی و بزرگی:

به درویشی بزرگی جامه‌ای داد که این خلقان بنه کز دوش افتاد
(همان: ۷۷)

طفلی:

خلید خار درشتی به پای طفلی خرد به هم برآمد و از پویه بازماند و گریست
(همان: ۱۱۲)

جوانی و پیری:

به شکوه گفت جوانی فقیر با پیری به روزگار مرا روی شادمانی نیست
(همان: ۱۱۹)

و آن هنگام نیز که یادکرد آنان نکره نیست، کمکی به شناسایی آنان نمی‌کند و نامهایی عام و نوعی هستند که در حکم نکره اند و تنها به سبب وزن است که صورت نکره نیافته‌اند، مانند قاضی و عسس:

برد یک دزدی سوی قاضی عسس خلق بسیاری روان از پیش و پس
(همان: ۹۱)

مواردی که به نام اشخاص موضوع انتقاد، تصریح میشود، اشخاصی برگرفته از زمانهای دور و بسیار دور هستند، مانند قباد:

روز شکار پیرزنی با قباد گفت کز آتش فساد تو جز دود آه نیست
(همان: ۱۴۷)

و انوشیروان:

یغماگر افلاک، سخت‌بازوست دردی‌کش ایام هوشیار است
افسانه نوشیروان و دارا ورد سحر قمری و هزار است
(همان: ۱۵۸)

یا کسری که آن نیز خود فاقد بار تصریح است، زیرا در سنت ادبیات فارسی و عربی دوره اسلامی، کسری نام عام شاهان ساسانی بوده است:

حکایت کرد سرهنگی به کسری که دشمن را ز پشت قلعه راندیم
(همان: ۹۰)

و جز این دسته از اشخاص که در نهایت ابهام و پوشیدگی از آنان یاد میشود، شخصی با چهره صریح از زمان نزدیک به زمان زیست پروین یا همدوره با او، موضوع انتقاد نمیشود، درحالی که این اتفاق در شعر کسانی چون میرزاده عشقی، لاهوتی، فرخی یزدی و حتی شاعرانی متأخرتر چون فریدون توللی، بسیار دیده میشود و از این جهت نمیتوان پروین را در عین منتقد بودن، انقلابی انگاشت. برخلاف نظر کسانی که این شیوه را در شعر پروین، نتیجه اوضاع زمانه دانسته‌اند (مانند: ذاکر حسین، ۱۳۷۷، ج ۲: ۷۲، ۷۳)، پروین از همان ابتدای شاعری و سالهای نوجوانی نیز شاعری پوشیده‌گوی بود (دهباشی، ۱۳۷۰: ۶۰-۶۲) و به نظر میرسد که ابهام در شعر پروین، نه نتیجه اوضاع جامعه، بلکه به تبعیت از سنت شعری بازمانده از ادب کلاسیک فارسی بعلاوه روحیه شرمگین و گریزان از غوغای وی بوده است. شعر فارسی، پس از یک دوره از صراحت‌گویی عصر سامانی، با روی کار آمدن دودمانهای غیرایرانی که با غزنویان آغاز شدند و ایجاد فاصله میان طبه حاکمه و عامه مردم، روی به کنایه‌ورزی نهاد و هرمقدار که حکومت این دودمانها در تاریخ ایران، متداومتر شد، ابهام نیز در شعر فارسی، شدت بیشتر یافت و سرانجام به صورت یک سنت شعری به شاعران عصر جدید رسید. همچنین روحیه پروین که به عنوان بانویی متواضع و شرمگین شهرت داشته است (درودیان، ۱۳۸۶: ۹۵)، مانع از آن میشده که راضی به رنجیدن کسی شود و این

موجب تشدید ابهام‌گرایی در شعر وی شده‌است، چنانکه پروین خود نیز متذکر می‌شود که هرچند به راستی سخنانش باور دارد، در پی رنجاندن کسی نیست:

پروین به کجروان سخن از راستی چه سود کو آنچنان کسی که نرنجد ز حرف راست
(پروین، ۱۳۶۵: ۲۸)

مناظره‌پردازی

از شیوه‌های مهم بیان در شعر پروین اعتصامی، مناظره‌پردازی است. مناظره، مکالمه و گفت‌وگویی دوطرفه است که هر طرف با استدلال و ارائه براهین سعی می‌کند برتری و فضیلت خویش را بر دیگری به اثبات رساند (شمیسا، ۱۳۸۵: ۲۲۴). در اصطلاح دانشمندان اسلامی، مقصود از بحث آن است که «اثبات حکم ثبوتی یا سلبی کنند به دلیل» و مراد از مناظره آن است که «دو خصم نظر کنند در حکم و مسأله‌ای به قصد آن که صواب پیدا شود» (مشکوه، ۱۳۲۴: ۲۷).

مناظره در شعر فارسی، پیشینه‌ای دیرینه دارد. افزون بر مناظرات مستقل و مبسوط در آثار شاعرانی چون اسدی توسی، خواجهی کرمانی و سعدی شیرازی، مناظرات فشرده در ضمن اثری بزرگ‌تر در آثار بیشتر شاعران فارسی دیده می‌شود، مانند مناظره مرغ چمن و گل نوحاسته در بخشی از یک غزل حافظ شیرازی:

صبحدم مرغ چمن با گل نوحاسته گفت ناز کم کن که در این باغ بسی چون تو شکفت
گل بخندید که از راست نرنجیم ولی هیچ عاشق سخن سخت به معشوق نگفت
(دیوان حافظ، غزل ۸۱)

مناظره به شاعر این فرصت را می‌دهد که بدون مواجه شدن با خطرات احتمالی، نظریات خویش را از زبان دو نفر غیر از خود به مخاطب ابلاغ کند و دو نفر واقعی یا خیالی را وادارد که استدلالهای پشتیبان این نظریات را در گفت‌وگوی میان خویش، مرور نمایند. مناظره را مهمترین ابزارهای پروین برای بیان مفاهیم اندرزی وی دانسته‌اند (دهباشی، ۱۳۷۰: ۷۶). از ۱۱۲ قطعه گرد آمده در نسخه اساس این مقاله، ۷۵ قطعه معادل ۶۷ درصد، مناظره است یا بخش اصلی آنها مناظره است و سپس پروین به وعظ و اندرز در ضمن آنها می‌پردازد. این رقم در قصاید و مثنویات پروین، کمتر است، اما به همان نسبت، تعداد قصاید و مثنویات نیز در دیوان پروین کمتر از قطعات است و از اهمیت مناظره در شعر پروین نمی‌کاهد. برخی از مناظره‌های پروین، نمودار رنج کیهانی و مقدر هستند، مانند قطعه «اندوه فقر» که مناظره پیرزن با دوک خویش است و از ستم تقدیرشده‌ای که به شکل فقر و رنج کار بر او تحمیل شده‌است، شکایت می‌کند:

با دوک خویش پیرزنی گفت وقت کار کاوخ ز پنبه ریشتنم موی شد سفید
(اعتصامی، ۱۳۶۵: ۳۱)

در چنین مناظره‌هایی پروین، مسئولیت فقر و رنجهای حاصل از آن را متوجه کسی نمی‌سازد، بلکه آشکار و پنهان از دهر و روزگار و تقدیر یاد می‌کند و رنجها را نتیجه این پدیده‌ها میداند:

در باغ دهر بهر تماشای غنچه‌ای بر پای من به هر قدمی خارها خلید
(همان، ۳۳)

و با طرح استفهامهای بی‌جواب، موضع لادری در برابر مسئولیت ستمهایی می‌گیرد که بر پیرزن و همه ستم‌دیگان ممکن دیگر می‌رود:

دولت چه شد که چهره ز درماندگان بتافت اقبال از چه راه ز بیچارگان رمید
(همان)

در دیگر مناظره‌ها نیز بیداد کیهانی و تقدیرشده از سوی یک طرف و گاه هر دو طرف مناظره مطرح میشود و به بحث گذاشته میشود، مانند قطعه «مردم بی‌هنر» (همان: ۱۹۹-۲۰۲) که مناظرهٔ هیمه و اخگر است و هیمه هنگام سوختن در آتش میگوید:

عبث به باغ دمیدم که بار جور کشم به زیر چرخ تو گویی نه جوی بود و نه جر
ز بیخ کنده شدیم این چنین به جور از آنک ز تندباد حوادث نداشتیم خبر
(همان: ۱۹۹، ۲۰۰)

و اخگر با او وارد مجادله میشود و تقدیرگرایی هیمه را در بیدادی که بر او می‌رود، رد میکند و میگوید:
مگوی بی هنرم سوخت شعلهٔ تقدیر همین گناه تو را بس که نیستی برور
(همان: ۲۰۱)

اما آنچه در سخن و استدلال اخگر، مغفول میماند، این است که آیا برور نبودن هیمه، خواست خود تقدیر نبوده‌است؟ در قطعهٔ «آیین آینه» (همان: ۲۳، ۲۴) نیز بیداد تقدیرشده، به بحث گذاشته میشود:

وقت سحر به آینه‌ای گفت شانه‌ای کاوخ فلک چه کجرو و گیتی چه تندخوست
ما را زمانه رنجکش و تیره‌روز کرد خرم کسی که همچو تواش طالعی نکوست
هرگز تو بار زحمت مردم نمیکشی ما شانه میکشیم به هر جا که تار موست...
(همان: ۲۳)

مشابه این مناظره‌ها که بیداد کیهانی را تبیین میکنند و قهرمانان مناظره هر دو یا یکیشان، بیداد را امری مقدّر میدانند، در شعر پروین کم نیست، اما شماری از مناظره‌ها نیز مسئولیت بیداد را صراحتاً از عمل انسانها میداند و آنان را به داد فرامیخواند. مناظره‌های «اشک یتیم» (همان: ۲۷، ۲۸)، «دزد خانه» (همان: ۵۹، ۶۰)، «دزد و قاضی» (همان: ۹۱-۹۴)، «دو همراز» (همان: ۹۷-۹۹)، «شکایت پیرزن» (همان: ۱۴۷، ۱۴۸)، «صاعقهٔ ما ستم اغنیاست» (همان: ۱۵۶-۱۶۰) و شماری دیگر از مناظره‌ها بیداد و داد را صراحتاً معلول اعمال انسانها میدانند و برخی از این مناظره‌ها در این زمینه لحنی بسیار تند دارند، مانند مناظرهٔ «صاعقهٔ ما ستم اغنیاست»:

برزگری پند به فرزند داد کای پسر، این پیشه پس از من تراست
مدت ما جمله به محنت گذشت نوبت خون خوردن و رنج شماست
کشت کن آنجا که نسیم و نمی است خرمی مزرعه، ز آب و هواست...
(همان: ۱۵۶)

مناظره‌های پروین به جهت طرفین مناظره بسیار متنوع هستند. برخی از مناظره‌ها دوسو انسانند، برخی یک سو انسان و یک سو غیرانسان. همچنین مناظره‌های گیاهان، جانوران، جمادات و حتی پدیده‌های انتزاعی هم در شعر پروین بسیارند. به طور معمول، مناظره‌های دو سو انسان، بر بیداد و داد انسانی تأکید دارند و مناظره‌های میان قهرمانان غیر بشری، بیشتر بیداد و داد کیهانی را تبیین میکنند. حدوسط این موقعیت یعنی مناظره‌های یک سو انسان و یک سو غیر انسان، گاه بیداد و داد کیهانی را بیان میکنند، مانند «اندوه فقر» (همان: ۳۱-۳۳) و گاه بیانگر بیداد و داد بشری هستند، مانند قطعهٔ «دیوانه و زنجیر» (همان: ۱۰۳-۱۰۵) که یک سوی مناظره، انسانی دیوانه است که خطاب به زنجیرش سخن میگوید، اما از بیداد بشری سخن میگوید:

گفت با زنجیر در زندان شبی دیوانه‌ای عاقلان پیداست کز دیوانگان ترسیده‌اند
من بدین زنجیر ارزیدم که بستندم به پای ننگ‌ها کاش میپرسید کس کایشان به چه ارزیده‌اند
دیدیم اندر دفتر و طومارشان دفتر و طومار ما را زان سبب پیچیده‌اند
(همان: ۱۰۳)

تمثیل‌گرایی

تمثیل از شگردهای دانش بیان و از مهمترین شگردهای ادب اندرزی و اخلاقی است. تمثیل در لغت به معنای تشبیه کردن، مثل آوردن و نیز به معنای نگاشتن پیکر و نمودن صورت چیزی است و در معنای داستانی یا حدیثی را به‌عنوان مثال بیان کردن آمده‌است (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «تمثیل»). تمثیل به حسب ماهیت، گونه‌ای از تشبیه مرکب است، اما به حسب صورت ممکن است به شکل تشبیه، استعاره و حکایت تجلی یابد که یک سوی آن ظاهر و غیرمراد است و سوی دیگر آن آن، مراد است که اگر سوی مراد در متن حاضر باشد، تمثیل، صورت تشبیه دارد و اگر سوی مراد، در متن حاضر نباشد، تمثیل به صورت استعاره است و گاه نیز صورت ظاهر تمثیل، حکایتی و داستانی است که معنای مرادش ممکن است در متن، حاضر باشد یا حاضر نباشد و تأویل آن به خواننده بازنهاده شود (مجمع‌البحرین، ج ۵: ۴۷۱؛ اسرارالبلاغه، ج ۱: ۸۴).

پروین اعتصامی در شعر خویش برای پرداختن به موضوع بیداد و داد، به طور گسترده از تمثیل و به طور دقیق از تمثیل شق سوم، یعنی حکایات تأویل‌پذیر بهره میبرد. میتوان گفت که دایره‌ی مناظره و تمثیل داستانی در شعر پروین، بر هم منطبق هستند و مناظراتی که پروین برای تبیین موضوع بیداد و داد و ترسیم چهره‌ی دادگران و بیدگران نقل میکند، در حقیقت تمثیل‌های داستانی اند. مناظره‌هایی که دو سوی آنها غیرانسان هستند، مانند «آیین آینه» (۲۳، ۲۴)، «بلبل و مور» (همان: ۳۷-۴۳)، «برگ‌گريزان» (همان: ۴۳-۴۷)، «تیر و کمان» (همان: ۶۹-۷۲)، «درخت بی‌بر» (همان: ۸۸، ۹۰) و دیگر مناظره‌ها که دو سو غیر انسان هستند، بجز تمثیل داستانی نمیتوانند باشند. برای نمونه، در مثنوی مناظره‌ای «تیر و کمان» (همان: ۶۹-۷۲)، ضمن اینکه تیر با کمان سخن میگوید و همین دلیل کافی برای اصل نبودن ظاهر سخن و لزوم تأویل تمثیلی آن است، از بیت سوم به بعد معنی مراد و سوی دوم تمثیل نیز آشکار میشود و شاعر بیان میکند که بیداد و ستم، موجب پریشانی و تفرقه‌ی مردم و در نهایت فروپاشی حکومت میشود:

گفت تیری با کمان روز نبرد کاین ستمکاری تو کردی کس نکرد
تیرها بودی قرین ای بلهوس در فکندی جمله را در یک نفس
ما ز بیداد تو سرگردان شدیم همچو کاه اندر هوا رقصان شدیم...
(همان: ۶۹)

یا قطعه‌ی «نشان آزادگی» که مناظره میان سوزن و پیرهن است و جز تمثیل نمی‌تواند باشد و تمثیل انسان‌های آسیب‌رسانی است که تمام زندگانی‌شان مصروف بیداد کردن و آسیب زدن به دیگران است:

به سوزنی ز ره شکوه گفت پیرهنی ببین ز جور تو ما را چه زخم‌ها به تن است
همیشه کار تو سوراخ کردن دلهاست هماره فکر تو بر پهلویی فرو شدن است...
(همان: ۲۷۷)

مناظره‌های داستانی یک سو انسان و یک سو غیرانسان نیز لاجرم، تمثیلی اند، مانند مناظره «رفوی وقت» میان سوزن و رفوگر (همان: ۱۰۹-۱۱۲) که از ستمهایی که از رفوگر بر سوزن می‌رود، سخن میراند و سپس رفوگر در پاسخ سوزن، از بیدادی که از قضا بر هردوشان می‌رود، بحث میکند:

گفت سوزن با رفوگر وقت شام شب شد و آخر نشد کارت تمام
روز و شب بیهوده سوزن می‌زنی هر دمی صد زخم بر من می‌زنی
(همان: ۱۰۹)

اما مناظره‌های داستانی دو سو انسان نیز در شعر پروین، تمثیل داستانی‌اند، زیرا همان گونه که در بخش «صراحت انتقاد و ابهام انتساب» تبیین شد، شخصیت‌های این داستانها چنان کلی و مبهم هستند که لاجرم منظور، خود این شخصیتها نیستند، بلکه مراد شاعر، تبیین بیداد و دادی است که از آنان سرمیزند، مانند قطعه «ناتوان» که مناظره میان جوانی و پیری در بررسی بیداد کیهانی ناشی از گذر عمر است:

جوانی چنین گفت روزی به پیری که چون است با پیریت زندگانی
بگفت اندر این نامه حرفی است مبهم که معنیش جز وقت پیری ندانی...
(همان: ۲۷۴)

تمثیل در کنار مناظره، مهمترین شیوه‌های ابلاغ مضمون در شعر پروین دانسته شده است (دهباشی، ۱۳۷۰: ۷۶) و چنانکه پیش از این در بخش «صراحت انتقاد و ابهام انتساب» بحث شد، پروین از سرآغاز شاعریش، به مناظره و تمثیل می‌پرداخت و این دو فن، از سنن کهن شعر فارسی هستند که در آثار الگوهای شاعری پروین، یعنی ناصر خسرو و انوری ابیوردی، به کثرت به کار می‌رفتند و افزون بر وجود سنت مناظره و تمثیل در شعر کلاسیک فارسی، روحیه آزمگین پروین نیز او را به پوشیده‌گویی سوق میداد.

تشخیص

تشخیص، اعم از جان‌بخشی به آنچه بیجان است یا اعطای شخصیت انسانی به جانداران غیر از انسان، از شگردهای مهم بیان در شعر فارسی است (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵: ۱۵۱). «تشخیص، نوعی اسناد مجازی و تصرف هنری شاعر در هستی است. گاهی شاعر این تصرف را در حد نسبت دادن یک خصوصیت انسانی به چیزی بیجان با ایجاز و کوتاهی به کار می‌برد و زمانی دیگر یک پدیده بیجان را انسان تصور کرده با بهره‌گیری از نیروی خیال، صفات و ویژگیهای متعددی از انسان را در بیانی مفصل و گسترده به آن نسبت میدهد» (عقدایی، ۱۳۸۱: ۱۵۶).

پروین برای تبیین مضامین بیداد و داد، به کثرت از تشخیص بهره می‌برد. کاربرد تشخیص در شعر پروین در حقیقت فرعی از کاربرد مناظره و تمثیل است. پروین آن هنگام که میخواهد از بیداد و داد و از بیدادگران و دادگران سخن بگوید، این معانی را از زبان شخصیت‌هایی مثالی و به شیوه تمثیل بیان میکند و هنگامی که دست کم یک طرف از دو طرف این مناظره‌های تمثیلی، غیر انسان باشد، لاجرم تشخیص رخ میدهد. از میان مناظره‌هایی که حاوی توجه به مضمون بیداد و داد هستند، مناظره‌هایی چون «امید و نومیدی» (اعتصامی، ۱۳۸۵: ۲۸-۳۰) که دو سو مفاهیم انتزاعی هستند:

به نومیدی سحرگه گفت امید که کس ناسازگاری چون تو نشنید
به هر سو دست شوقی بود بستی به هر جا خاطری دیدی شکستی...
(همان: ۲۸)

«اندوه فقر» (همان: ۳۱-۳۲) که یک سو انسان و دیگر سو شیء است:

با دوک خویش پیرزنی گفت وقت کار
از بس که بر تو خم شدم و چشم دوختم
کاوخ ز پنبه ریشتنم موی شد سفید
کم نور گشت دیده‌ام و قامت خمید...
(اعتصامی، ۱۳۶۵: ۳۱)

«برگ‌گریزان» (همان: ۴۳-۴۶) که دو سو گیاهند:

شنیدستم که وقت برگ‌ریزان
میان شاخه‌ها خود را نهان داشت
شد از باد خزان برگی گریزان
رخ از تقدیر پنهان چون توان داشت...
(همان: ۴۳)

«هرچه باداباد» (همان: ۶۹-۷۲) که دو سو اجزای طبیعت است:

گفت با باد صبحگاهی خاک
تو پریشان ما و ما ایمن
چون تو کس تیر روزگار مباد
تو گرفتار ما و ما آزاد...
(همان: ۲۹۵)

و بسیاری از دیگر مناظره‌های پروین که دست کم یک سوی مناظره، غیر انسان باشد، بر شیوهٔ جان‌بخشی و تشخیص پدید آمده‌اند.

اوج تشخیص‌های شعر پروین، فابل‌های او هستند. «فابل، عبارت است از حکایتی کوتاه که اشخاص و عناصر آن، غالباً از حیوانات هستند که شبیه انسان عمل می‌کنند و به قصد بیان یک آموزهٔ اخلاقی یا تجربهٔ انسانی بیان می‌شود. این نوع تمثیل در زبان‌های اروپایی فابل نامیده می‌شود» (تقوی، ۱۳۷۶: ۸۸). برخی از فابل‌های پروین، دو سو جانور هستند، مانند «بلبل و مور» (پروین، ۱۳۶۵: ۳۷-۴۲) و برخی یک سو جانور، مانند «حقیقت و مجاز» (همان: ۸۵) که یک سو بلبل است و سوی دیگر گل. پروین از فابل‌ها برای بیان مضامین انتقادی بهره میبرد و برخی از آنها به صورتی آشکار در مذمت بیداد هستند، مانند «خون دل» (همان: ۸۷، ۸۸) که قصهٔ مرغی است که به باغی رفت و یک میوه خورد، اما پایش را شکستند و تمثیلی است از خرده‌زدانی که به‌سختی عقوبت میشوند، اما بیدادگران حقیقی به سلامت میمانند و «ذره و خفاش» (همان: ۱۰۵-۱۰۷) که در بیان بیداد کیهانی است که بر خفاش رفته و او را تیره‌چشم و بی‌نصیب از آفتاب ساخته و «سپید و سیاه» (همان: ۱۲۴-۱۲۶) که قصهٔ کبوتری است که یک دم هوس پرواز کرد، اما پرواز نکرده، بالش را مجروح کردند و شکستند:

کبوتری سحر اندر هوای پروازی
به بام لانه بیاراست پر ولی نپرید
رسید بر پرش از دور ناوکی جانشوز
مبرهن است کزان طعنه بر دلش چه رسید
(همان: ۱۲۴)

دوگانه‌سازی

از شگردهای چشمگیر شعر پروین برای تبیین مضامین بیداد و داد و برجسته‌سازی این مضامین، دوگانه‌پردازی و مطرح ساختن و پروردن زوج‌های متقابل است. این پدیدهٔ بیانی را برخی از منتقدان، از نقایص روحیهٔ پروین دانسته‌اند که حتی در سطح بیانی هم به خلاف حرکت ذاتی تضاد، موجب تحرک شعر پروین نمیشود. به نظر براهنی، پروین «سخت در بند دوگانگی خیر و شر، قوی و ضعیف، غنی و فقیر و پادشاه و گداست. انقلابی نیست و جهانش، حتی در تیرگی هم از پویایی برخوردار نیست» (دهباشی، ۱۳۷۰: ۷۶). به رغم این گونه داوریه‌ای تند، نقش دوگانه‌پردازی را در برجسته‌سازی مضامین بیداد و داد نمیتوان انکار کرد، زیرا بیداد و داد، دو پدیدهٔ متضاد

هستند و برای ترسیم تضاد آن دو، شگرد دوگانه‌سازی می‌تواند بسیار کارا باشد. پروین از این شگرد هم به صورت محتوایی و هم به صورت لفظی، بهره فراوان برده است. در ساحت محتوایی، همه مناظره‌های او، گفت‌وگوهایی هستند که میان دو شخصیت شکل می‌گیرند و این دو شخصیت، مواضعی متضاد دارند، خواه به حسب سنن شعری و منطق زبانی فارسی، متضاد باشند یا نباشند، مانند دوک و پیرزن که به حسب منطق زبان فارسی، باید متناسب به شمار آیند، اما دو سوی یک مناظره شده‌اند و به سبب بیان مواضع متضاد، مبدل به زوجی متضاد شده‌اند:

گفت سوزن با رفوگر وقت شام شب شد و آخر نشد کارت تمام
روز و شب بیهوده سوزن میزنی هر دمی صد زخم بر من میزنی
(همان: ۱۰۹)

رفوگر و سوزن نیز که در واقع باید متناسب به شمار آیند، اما در شعر پروین متضاد شده‌اند:

گفت سوزن با رفوگر وقت شام شب شد و آخر نشد کارت تمام
روز و شب بیهوده سوزن میزنی هر دمی صد زخم بر من میزنی
(همان: ۱۰۹)

یا لاله و بنفشه نیز که متناسب هستند، اما دوگانه‌ای متضاد شده‌اند و لاله، بنفشه را به سبب ستم و سرشکستگی که تحمل می‌کند، سرزنش می‌کند:

با بنفشه لاله گفت ای بیخبر طرف گلشن را منظم کرده‌اند
از چه معنی در شکستی بی سبب چون به خاکت ریشه محکم کرده‌اند
(همان: ۱۴۸، ۱۴۹)

در برابر این دوگانه‌های در اصل متناسب متضاد شده، پروین از دوگانه‌های در واقع متضاد نیز بهره بسیار میبرد، مانند شعر «شکایت پیرزن» (همان: ۱۴۷، ۱۴۸) که دوگانه پادشاه قوی و پیرزن ضعیف است:

روز شکار پیرزنی با قباد گفت کز آتش فساد تو جز دود آه نیست
(همان: ۱۴۷)

و «سرنوشت» (همان: ۱۲۷-۱۳۱) که مناظره جغد و طوطی است و از ستم تقدیر شده برای جغد سخن می‌راند: به جغد گفت سحرگاه طوطی از سر خشم که چند بایدت این گونه زیست سرگردان
(همان: ۱۲۷)

پروین حتی دوگانه‌سازی را به نامگذاری شعرها نیز سرایت می‌دهد، مانند قطعه «سپید و سیاه» (همان: ۱۲۴-۱۲۶) و «دزد و قاضی» (همان: ۹۱-۹۴)، «کوه و کاه» (همان: ۱۹۷-۱۹۹) و «مست و هشیار» (همان: ۲۶۱-۲۶۲) که هر یک گوشه‌ای از بیداد و داد کیهانی یا بشری را تبیین می‌کنند.

تلمیح

تلمیح از ریشه «لمح»، به چیزی نگاه اجمالی و مختصر کردن است (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «تلمیح») و در فنون ادب فارسی، تلمیح را نوعی از ایجاز، یعنی دلالت الفاظ اندک بر معانی بسیار دانسته‌اند، بدین صورت که گاه شاعر ضمن اشاره‌ای مختصر به روایتی یا داستانی، مطالب بسیاری را به ذهن مخاطب متبادر می‌سازد و به همین سبب استفاده از این آرایه، همواره در ادب فارسی دارای بسامدی درخور توجه بوده است. صنعت تلمیح معمولاً بر دو

ژرف‌ساخت تشبیه و تناسب مبتنی است، زیرا اولاً ایجاد رابطه تشبیهی میان منظور گوینده و مطلب مورد تلمیح در نظر است و ثانیاً میان اجزای موضوع تلمیح، تناسب وجود دارد (شمیسا، ۱۳۶۶: ۹۰).

از آنجا که پروین در بیان مضامین بیداد و داد، در بیشتر موارد از تصریح پرهیز میکند، تلمیح را شگردی کارا برای میهم‌سازی شیوه بیان خویش مییابد و در حقیقت، تلمیح را در خدمت تعریض قرار میدهد و نقد خود را بر بیداد، درباره شخصی از تاریخ گذشته و ماجرایی در گذشته‌های دور بیان میدارد، اما همه بیدادهای مشابه را در زمان خویش در نظر دارد. برای نمونه، برای تقبیح اعمال ثروتمندان بیتوجه به فقر و زورمندان بیدادگر بر ضعفا میسراید: وارث ملک سلیمان نتوان خواندن هر کسی را که در انگشت بود خاتم (اعتصامی، ۱۳۶۵: ۹۹)

و در بیان عاقبت بیدادگران و دعوت به دادپیشگی و خداشناسی، میسراید:

ای به خود دیده چو شداد خداین شو جز خدا را نسزد زینت یزدانی
(همان: ۱۱۲)

و در تقبیح فرمانروایان خودرای مستبد میگوید:

خودرای می نباش که خودرایی راند از بهشت آدم و حوا را
(همان: ۲۸)

و در تقبیح مملکت‌داران غاصب میسراید:

طلب ملک سلیمان مکن از دیوان که چو طفلت بفریبند به انگشتر
(همان: ۲۴)

گذشته از اشارات محدود به یک بیت که مطابق با شگرد تلمیح در معنی کلاسیک است، حتی حکایتهای مبسوط‌تر تاریخی را نیز در شعر پروین میتوان گونه‌ای از تلمیح دانست، زیرا در اینگونه حکایتهای بجز یک بیت نخست که حاوی نام یک شخصیت تاریخی است، بقیه شعر، در حقیقت سخنان خود پروین است که تنها با آوردن نام یک شخصیت در صدر شعر، کوشیده‌است که به سخنان خود شأن نزول تاریخی دهد. نمونه آشکار این رخداد، شعر مشهور «شکایت پیرزن» (همان: ۱۴۷، ۱۴۸) است که تنها در بیت یکم، نام قباد در تضاد با پیرزن آمده‌است، اما از بیت دوم به بعد، هرچه هست، سخنان خود پروین است و هیچ سخنی در این شعر نیست که شاهی برای آن بتوان یافت که بیانگر واقعه‌ای در زندگانی قباد باشد، زیرا اگر این قباد، همان فرمانروای مشهور ساسانی باشد که قاعدتاً هم باید چنین باشد چون از شدت شهرتش نیاز به صفتی و عنوانی دیگر برایش حس نشده، او پادشاهی سخت‌دادگر، نوآور، مداراپیشه و مدبّر بود که در زمان پادشاهی وی کشور و ملت از هم‌پاشیده ایران، دوباره نیرو یافتند و دوره‌ای تازه از قدرت و آبادی و رفاه آغاز شد که تا پایان عصر خسرو دوم ساسانی تداوم یافت (دریایی، ۱۳۸۴: ۱۸۶) و از این جهت، همه شعر بجز بیت یکم، مواظ خود پروین است و تنها در بیت نخست، اشاره به نام قباد شده‌است و از این منظر، اشعاری بدین طول و تفصیل نیز مشمول تلمیح هستند.

نتیجه‌گیری

دوگانه بیداد و داد، از موضوعات کهن در شعر فارسی است و شاعران برجسته کلاسیک با دیدی حکمیانه بدین حوزه پرداخته‌اند و اندیشه‌هایی ژرف و راهگشا را در تبیین ماهیت بیداد و داد و شیوه مواجهه با این دوگانه، ارائه کرده‌اند. در دوره معاصر و بویژه با حادث شدن جنبش مشروطه، افزون بر تداوم دید حکمیانه و کل‌نگر شاعران

بزرگ کلاسیک، دیدگاه‌های جزئی‌نگر، تند و انقلابی نیز دربارهٔ پدیدهٔ بیداد و داد در شعر فارسی ظهور یافت. یکی از شاعران برجستهٔ معاصر در حوزهٔ پرداختن به موضوع بیداد و داد، پروین اعتصامی است. او هم‌زمان انقلاب مشروطهٔ ایران است و هرچند که خود انقلاب را به چشم ندید و درک نکرد، اما تربیت یافتهٔ جنبش مشروطه بود و از آن جنبش تأثیر پذیرفته بود. پروین را هرچند نمیتوان شاعری انقلابی از نوع میرزادهٔ عشقی، فرخی یزدی، لاهوتی و حتی بهار دانست، اما توصیف جامعه‌گریزی و تسلیم‌طلبی نیز برای او وی اشتباه است. پروین را میتوان بانویی دلبستهٔ سنت، اما منتقد و متوجه جامعه دانست. او به کثرت و گاه به شدت، به موضوع بیداد و داد در شعر خویش پرداخته‌است. شیوهٔ اجرا و بیان مضامین بیداد و داد در شعر پروین، هرچند که به حسب تک‌تک شگردها، فاقد نوآوری است و تداوم شگردهای سنت‌شدهٔ شعر فارسی است، اما هیأت مجموعی این شگردها در تلفیق با زاویهٔ دید و روح و روحیهٔ صمیمت و مهربانی مادرانهٔ پروین، خاص خود اوست. پروین از میان انبوه شگردهای ریز و درشت بیان، به شش شگرد برای تبیین مضامین بیداد و داد، توجه بیشتر دارد و جالب آن است که این شش شگرد در شعر پروین، پیوند ارگانیک با هم دارند و از هم نتیجه میشوند. شگرد فراگیر شعر او برای پرداختن به بیداد و داد، صراحت در انتقاد و ابهام در انتساب است، یعنی پروین انتقادهای خود را به صراحت و گاه با شدتی در خور شاعران انقلابی بیان میکند، اما انتساب این انتقادهای به اشخاص، فاقد هرگونه صراحت و در نهایت ابهام است. ابهام، مانند چتر فراگیر شعر پروین در بیان بیداد و داد است و او برای تضمین و تأمین این ابهام به شگردهای مناظره و تمثیل روی می‌آورد و سپس از جمع میان مناظره و تمثیل هنگامی که دست کم یک سوی کار، غیرانسان باشد، جان‌بخشی و تشخیص زاده میشود که در بیشتر مواقع پرداختن پروین به بیداد و داد، مشاهده میشود. او همچنین برای تداوم ابهام در انتساب انتقادهای تندش، به تلمیح روی می‌آورد. پروین همچنین برای برجسته‌سازی مضمون بیداد و داد و به سان فرع فن مناظره و تمثیل، به دوگانه‌پردازی روی می‌آورد و دو شخصیت را صرف‌نظر از اینکه در عالم واقع و در سنت زبانی و ادبی فارسی، متضاد باشند یا متضاد نباشند، در موضع تضاد و روبه‌روی هم قرار میدهد تا بیداد و داد را به نحوی برجسته‌تر متجلی کند.

در مجموع، پروین را باید شاعری برخاسته از سنت، اما بیداردل و متعهد و متوجه به اوضاع زمانه دانست که آزرده از بیداد بود و دل در گرو ستایش داد داشت و بدین سبب، مضامین بیداد و داد را در شعر خویش با شگردهایی کارا و به نحوی پذیرفتنی و تأثیرگذار بیان کرده‌است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله، حاصل تلاش نگین خان‌محمدی اطاقسرا، دانش‌آموختهٔ کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، گرایش ادبیات پایداری دانشگاه سمنان و دکتر عبدالله حسن‌زاده میرعلی، دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سمنان است.

تشکر و قدردانی

بر خود لازم می‌دانم از استاد راهنمای خود، دکتر عبدالله حسن‌زاده میرعلی، دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سمنان که با اشارات ارزشمندشان دربارهٔ شعر مشروطه و به‌ویژه شعر پروین اعتصامی، یاریگر نویسنده در این مقاله بودند، سپاسگزاری صمیمانه نمایم.

عدم تعارض منافع

نویسندگان این مقاله، گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی نویسندگان است و آنان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق، طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول (دکتر عبدالله حسن‌زاده میرعلی، دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سمنان) است و او مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده می‌گیرد.

REFERENCES

- Aghdai, Toraj. (2011). The role of imagination. print. First. Tehran: Nikan Kitab.
- Arianpour, Yahya. (1997) from Nima to our time (history of contemporary Persian literature). second edition. Tehran: Zovar.
- Etsami, Parvin. (1986). Poems by Parvin Etisami. With an introduction by Malik al-Sharai Bahar. Tehran: Iman Publishing House.
- Daryaei, Turj. (2005). Sassanid Empire. Translated by Morteza Saqibfar. Tehran: Phoenix.
- Debashi, Hamid. (1989). "Poetry, politics and ethics: Armaghan Parvin Etisami to contemporary Persian poetry". Iranology magazine. Number 2. pp. 240-263.
- Dehbashi, Ali. (1991). Memoir of Parvin Etisami. Tehran: Mother World.
- Dehkoda, Ali-akbar. (1997). *Loghatnameh*. Tehran. Tehran univesity.
- Doruids, Wali Allah. (1990). In search of the sources of poets' inspiration and two other articles. Tehran: Cheshme.
- Ferdowsi, Abulqasem. (2021). Shah nameh. To correct the glory of absolute creation. Tehran: Sokhn.
- Ghanipour Malekshah, Ahmed. (2011). "Contemporary literature / recognition in the poetry of Parvin Etisami". Persian language and literature development magazine. No. 100. pp. 46-49.
- Gorgian, Bahman; Abbaszadeh, Ferangis. (2019). "Syntactic, lexical and temporal comparative deconstruction and norm avoidance in the poetry of Parvin Etisami".
- Haddad, Nasrallah. (2013). The life and times of Parvin Etsami. First Edition. Tehran: Namek.
- Hafez, Shamsledin. (2017). Divan-e-Hafez. Based on the correction of Mohammad Qazvini and Qasim Ghani. Tehran: Andisheh Hadi.
- Haji Rajabi, Nafisa; Arab, Abbas (2018). "Allegory with Fable's approach in the poems of Parvin Etsami and Ilya Abumadhi". Journal of allegorical research in Persian language and literature. No. 42. pp. 93-112.
- Hakimi, Ismail. (1997). Contemporary Iranian literature. Tehran: Asatir.
- Jurjani, Abdul Qahir. (2000). Secrets of speech. Translated by Jalil Tajil. Tehran: University of Tehran.
- Kazari, Mir Jalaluddin. (2008). ancient letter Tehran: Samt.

- Manager Shanechi, Mohsen. (2007). "Satiety in Parvin Etesami's political and social thought". Journal of public law research. No. 23. 201-228.
- Moayed, Heshmat. (1987). "Parvin Etisami's position in Persian poetry". Iranology magazine. Number 2. pp. 212-232.
- Mohammad bin Khalaf of Tabrizi. (1963). Conclusive proof. To the attention of Mohammad Moin. second edition. Tehran: Ibn Sina bookstore.
- Mashkwah, Mohammad. (1945). "Research etiquette". Pars yearbook. Twentieth year pp. 15-54.
- Molavi, Jalaluddin Mohammad. (2019). Masnavi. Description of Karim Zamani. 19th edition. Tehran: Ettelaat.
- Pezeshkzad, Iraj (2008). A review of Iran's constitutional revolution. Frankfurt, Germany: Alborz Publishing.
- Saadi, Moslehuddin. (1998). Golestan. Explanation and correction by Gholamhossein Yousefi. Fifth Edition. Tehran: Kharazmi.
- _____. (2000). the garden Corrected and explained by Gholamhossein Yousefi. Fifth Edition. Tehran: Kharazmi.
- Shafi'i Kodkani, Mohammad Reza. (2006). Imaginary images in Persian poetry. Tehran: Aghaz Publications.
- Samsami, Samira; Mirsadeghi, Syed Rezi. (2015). "Investigation of the position and types of similes in terms of structure, form, theme and content in Divan Parvin Etisami". Journal of literary and rhetorical research. No. 16. pp. 73-90.
- Shamisa, Cyrus. (1987). Culture hints. Tehran: Mitra.
- _____. (2006). Literary types. Tehran: Mitra.
- Tarihi, Fakhreddin. (2008). Assembly of Bahrain fourth edition. by the efforts of Ahmad Hosseini. Tehran: Farhang Islamic Publishing House.
- Taqwi, Muhammad. (1997). Animal stories in Persian literature. Tehran: Rozeneh.
- Wathiq Abbasi, Abdullah; Ittiadi, Hossein. (2021). "Rhetorical questioning in the poetry of Parvin Etisami". Magazine of interpretation and analysis of Persian language and literature texts (Dehkhoda)" No. 48. pp. 173-201.
- Yazdani, Sohrab (2008). Constitutional Mjahideen. Tehran: Ney Publishing.
- Zakir Hassan, Abdul Rahim. (1998). Iranian political literature in the era of constitutionalism, Volume 2: The era of return to individual government (1304-1320). Tehran: Science.

فهرست منابع فارسی

- آرین‌پور، یحیی. (۱۳۷۶). *از نیما تا روزگار ما (تاریخ ادب فارسی معاصر)*. چاپ دوم. تهران: زوآر.
- اعتصامی، پروین. (۱۳۶۵). *اشعار پروین اعتصامی*. با مقدمه ملک‌الشعراى بهار. تهران: نشر ایمان.
- پزشکزاد، ایرج (۱۳۸۵). *مروری در انقلاب مشروطیت ایران*. فرانکفورت، آلمان: نشر البرز.
- تقوی، محمد. (۱۳۷۶). *حکایت‌های حیوانات در ادب فارسی*. تهران: روزنه.
- جرجانی، عبدالقاهر. (۱۳۸۹). *اسرار البلاغه*. ترجمه جلیل تجلیل. تهران: دانشگاه تهران.

- حاجی رجبی، نفیسه؛ عرب، عباس. (۱۳۹۸). «تمثیل با رویکرد فابل در اشعار پروین اعتصامی و ایلیا ابومازی». *مجله تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی*. شماره ۴۲. صص ۹۳-۱۱۲.
- حاکمی، اسماعیل. (۱۳۷۶). *ادبیات معاصر ایران*. تهران: اساطیر.
- حافظ، شمس‌الدین. (۱۳۹۷). *دیوان حافظ*. بر اساس تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی. تهران: اندیشه هادی.
- حداد، نصرالله. (۱۳۹۳). *زندگی و زمانه پروین اعتصامی*. چاپ اول. تهران: نامک.
- دباشی، حمید. (۱۳۶۸). «شعر، سیاست و اخلاق: ارمغان پروین اعتصامی به شعر معاصر فارسی». *مجله ایران‌شناسی*. شماره ۲. صص ۲۴۰-۲۶۳.
- درویشان، ولی‌الله. (۱۳۶۹). *در جست‌وجوی سرچشمه‌های الهام شاعران و دو مقاله دیگر*. تهران: چشمه.
- دریایی، تورج. (۱۳۸۴). *شاهنشاهی ساسانی*. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. تهران: ققنوس.
- دهباشی، علی. (۱۳۷۰). *یادنامه پروین اعتصامی*. تهران: دنیای مادر.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. تهران: دانشگاه تهران.
- ذاکرحسن، عبدالرحیم. (۱۳۷۷). *ادبیات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، ج ۲: دوران بازگشت به حکومت فردی* (۱۳۲۰-۱۳۰۴). تهران: نشر علم.
- سعدی، صلح‌الدین. (۱۳۷۷). *گلستان*. توضیح و تصحیح غلامحسین یوسفی. چاپ پنجم. تهران: خوارزمی.
- _____ (۱۳۷۹). *بوستان*. تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی. چاپ پنجم. تهران: خوارزمی.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۵). *صور خیال در شعر فارسی*. تهران: انتشارات آگاه.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۶۶). *فرهنگ تلمیحات*. تهران: میترا.
- _____ (۱۳۸۵). *انواع ادبی*. تهران: میترا.
- صمصامی، سمیرا؛ میرصادقی، سیدرضی. (۱۳۹۵). «بررسی جایگاه و انواع تشبیه از لحاظ ساختار و شکل و مضمون و محتوا در دیوان پروین اعتصامی». *مجله پژوهش‌های ادبی و بلاغی*. شماره ۱۶. صص ۷۳-۹۰.
- طریحی، فخرالدین. (۱۳۸۷). *مجمع البحرین*. چاپ چهارم. به کوشش احمد حسینی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- گرجیان، بهمن؛ عباس‌زاده، فرنگیس. (۱۳۹۹). «ساختار شکنی و هنجارگریزی تطبیقی نحوی، واژگانی و زمانی در شعر پروین اعتصامی».
- غنی‌پور ملک‌شاه، احمد. (۱۳۹۰). «ادبیات معاصر / تشخیص در شعر پروین اعتصامی». *مجله رشد آموزش زبان و ادب فارسی*. شماره ۱۰۰. صص ۴۶-۴۹.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۴۰۰). *شاهنامه*. به تصحیح جلال خالقی مطلق. تهران: سخن.
- کزاری، میر جلال‌الدین. (۱۳۸۷). *نامه باستان*. تهران: سمت.
- محمد بن خلف تبریزی. (۱۳۴۲). *برهان قاطع*. به اهتمام محمد معین. چاپ دوم. تهران: کتاب‌فروشی ابن‌سینا.
- مدیرشانه‌چی، محسن. (۱۳۸۶). «سیری در اندیشه سیاسی و اجتماعی پروین اعتصامی». *مجله پژوهش حقوق عمومی*. شماره ۲۳. ۲۰۱-۲۲۸.
- مشکوه، محمد. (۱۳۲۴). «آداب البحث». *سالنامه پارس*. سال بیستم. صص ۱۵-۵۴.
- مولوی، جلال‌الدین محمد. (۱۳۹۱). *مثنوی معنوی*. شرح کریم زمانی. چاپ نوزدهم. تهران: اطلاعات.
- مؤید، حشمت. (۱۳۶۷). «جایگاه پروین اعتصامی در شعر فارسی». *مجله ایران‌شناسی*. شماره ۲. صص ۲۱۲-۲۳۲.

واثق عباسی، عبدالله؛ اتحادی، حسین. (۱۴۰۰). «استفهام بلاغی در شعر پروین اعتصامی». *مجله تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)* شماره ۴۸. صص ۱۷۳-۲۰۱.

یزدانی، سهراب (۱۳۸۸). *مجاهدان مشروطه*. تهران: نشر نی.

عقدایی، تورج (۱۳۸۱). *نقش خیال*. چاپ اول. تهران: نیکان کتاب.

معرفی نویسندگان

نگین خان محمدی اطاقسرا: دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

(Email: khanmohammadi1402@gmail.com)

عبدالله حسن‌زاده میرعلی: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

(نویسنده مسئول: hasanzadeh@semnan.ac.ir)

COPYRIGHTS

© 2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Negin Khanmohammadi Ataghsara: Master's degree in Persian language and literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, University of Semnan, Semnan, Iran.

(Email: khanmohammadi1402@gmail.com)

Abdullah Hassanzadeh Mirali: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, University of Semnan, Semnan, Iran. Iran.

(Email: hasanzadeh@semnan.ac.ir: Responsible author)